

انشایی بی مایه بنام بیانیه

مقدمه

با پوزش از فرزانه‌گانی چند که بیانیه اخیر " سکولاریسم رنگی. اثناعشری * " را امضا کردند، انتظار دارم که نگاه این قلم را بر این بیانیه، توهین و یا شماتت به خودشان نگیرند. زیرا می دانم همه ی شما عزیزان درد وطن دارید اما چون درمان درد را در این بیانیه نمی بینم بر آن شدم که مشت نویسندگان این بیانیه را که ماهیت نخ نمایشان بر ملت ایران آشکار است، باز کنم

و این حق را برای خود محفوظ می دارم که به عنوان یک ایرانی که سی و یک سال از عمرم را به پای رها شدن ایران و ایرانی از ایلغار حکومت اسلامی، ذره ذره آب کردم، نگذارم بار دیگر کسانی پیدا شوند که ضدیت کور خودشان را به نظام پادشاهی در خدمت بیگانه و یا حکومت خونریز و ایران بر باده ده اسلامی بکار بگیرند

از این جهت پیشاپیش پوزش مرا بپذیرید

باز هم کوه موش زابید و دیگر بار چند نفر با طینت نخ نما و کینه ی ضد نظام پادشاهی و برابری خواه بنام " سکولاریسم رنگی اثناعشری " نشستند و انشایی بی مایه تحت عنوان بیانیه را مکتوب کردند تا به زعم خودشان حکومت اسلامی را بیاندازند و " جمهوری سکولار " (بخوان شکلی دیگر از حکومت اسلامی) را برقرار کنند

غافل از اینکه این عمل نابخردانه شان بیش از اینکه این کسان را چون بادکنک، فیل هوا کند و قلقلکی به حکومت اسلامی بدهد، بیشتر در جهت ابقای همین حکومت اسلامی کارایی دارد

آخر کسی نیست به این کسان بگوید که شما را چه می شود و دنبال چه هستید؟

اگر شما به دنبال یک آلترناتیو و یا نیروی جایگزین هستید باید بدانید که بدون نیروهای پیرو نظام پادشاهی که ضدیت و کینه ی " اثناعشری " خودتان را در واژه واژه های این انشای بی مایه علیه آنها پنهان نمی کنید، آب در هاون کوبیدن است

زیرا قبل از شماها، گروه ها و سازمانها و شخصیت های دیگری تحت لوای " جمهوری خواهی " ملت ایران را به خودی و غیر خودی تقسیم کرده بودند و بعضن کتمان هم نمی کردند که در جهت ابقای همین حکومت اسلامی سینه چاک می کنند

و امروز شماها باز همان راه های پیموده را می پیمایید که " اتحاد جمهوری خواهان " و " اتحاد جمهوری خواهان لائیک " و قبل از همه ی اینها مجاهدین پیمودند و دیدیم که همگی آنها در پایان راهشان در خیمه گاهای حکومت اسلامی فرود آمدند و یا افسرده و منفعل شدند

و راستی شما که خود را به غلط نیروهای سکولار و آزادیخواه و بدون تبعیض آواز می دهید می توانید به همان چند نفر احتمالی نیروهای سکولار حامی خودتان پاسخ دهید که فرق شما با آن پنج نفر به اصطلاح روشنفکران دینی که " تاریخخانه ی پنج تن " را تشکیل دادند و یا آن " اتحاد جمهوریخواهان " در همه رنگش چه " ملی " و چه لائیک و چه " دموکراتیک اسلامی " که ملت ایران را به خودی و غیر خودی تقسیم کردند، در کجا است؟

آنها هم دیروز مثل شماها که امروز ملت ایران را به خودی و غیر خودی تقسیم می کنید، دیندار و بی دین و یا فقط جمهوریخواه و غیر جمهوریخواه تقسیم کرده بودند. و دیدیم ملت ایران تره ای برایشان خورد نکردند و امروز هم بنظر می رسد که از همین آغاز با شما ها چنین کنند

تازه این سکولاریسمی که شما به آن لباس رنگی پوشانیدید و امروز زیر بیرقش سینه می زنید به گواهی تاریخ در نظام گذشته به بهترین

شکلی اجرا می شد اما شماها برای به زمین زدن آن سکولاریسم و یا نظام عرفی پادشاهی زیر پرچم اسلامی رفتید و فاجعه ی تاریخی " انقلاب شکوهمند اسلامی " را آفریدید که اکنون " سکولاریسم نو " را از حکومت اسلامی کدایی می کنید

اصلن چه اصراری به این همه صغرا و کبرا کردن دارید و یا مایل هستید انشاء بی مایه تان را در 15 محور ببیچانید؟ صادقانه ترین راه این بود که با صراحت می گفتید شما هم مخالف نظام پادشاهی و موافق نظام جمهوری هستید و در این راه حاضر نیستید با هواخواهان نظام پادشاهی اتحاد و یا ائتلاف موضعی تشکیل دهید و مبارزه می کنید که نظام پادشاهی بر نگردد

چرا می خواهید لقمه را با گوشتان بخورید؟

خوب این راهی که شما می روید تا امروز چند بار آزموده شده است و باید حداقل این آموزه را تا کنون فرا می گرفتید که آزموده را آزمودن خطا است

اما نه مثل اینکه به نظر می رسد که شماها هم از سقوط حکومت اسلامی به وحشت اندر غلطیدید

آیا می دانید چنین انشای بی مایه ای تحت نام بیانیه نفعش فقط در جیب حکومت اسلامی می رود که حاکم است؟

گرچه می دانم شماها آگاهانه به چنین کاری مبادرت می ورزید تا به زعم خودتان تلاش کنید که نظام پادشاهی بر نگردد. اما برای روشن کردن اذهان جوانان و ملت ایران لازم است برای ثبت در تاریخ، نیت ناپاک شما، برایشان دروازه گشوده شود تا تشخیص دهند چه کسانی به واقع سرفرازی ایران و ملت ایران را می خواهند و چه کسانی چون سی سال گذشته به لطایف الحیل می کوشند عملکرد خودشان را در زوررق پیچیده ی واژه ها ببیچانند و در جهت ابقای همین حکومت اسلامی پیش بروند تا نیروی جدی مخالف حکومت اسلامی یعنی پادشاهی خواهان فرسوده شوند بلکه فرجی برای شماها ایجاد گردد

فراموش نکنید شماها که این انشاء بی مایه را با نفی تبعیض شروع کردید اما در هر واژه و سطرش تبعیض چون تگرگ می بارد

بزرگترین تبعیض این است که برای اکثریت ملت ایران که خواهان به زیر کشیدن همین حکومت اسلامی هستند تا بر خاکروبه هایش در یک فضای آزاد بعد از تشکیل مجلس موسسان نوع نظام را به فرارندم بگذارند، تصمیم گرفتید که چنین نشود

و یا از هم اکنون که " نه به دار هستید و نه به بار "، برای ملت ایران تعیین تکلیف کردید که چه بکنند و یا چه نکنند

شماها به دلیل حس قدرت طلبی و بزرگ بینی دچار خبطی شدید که تاریخ خنده ی بلندش را از هم اکنون برای شما به لب باز کرده است

شماها چون همه ی این اتحاد های بی مایه ی " جمهوریخواهی " و آن اسیران ذوب شده در ولایت اسلامی و سینه چاکان روشنفکری که امروز افسار پاره کرده اند و چهار نعل به اندرون حکومت " رحمت " اسلامی تاخت می زنند، پریشانی خودتان را از بوی خوش آغاز سقوط حکومت اسلامی پنهان نکردید و خوابتان دگرگون شده است و در اندرون وجدان خفته تان تکانی خورید که مبادا عنقریب حکومت اسلامی فرو ریزد و شماها کارنامه ی سراسر جفاایتان بر ملت ایران پرونده گشوده شود

چرا این انشاء بی مایه است؟

بی مایه است که خامه ای بیشتر از اتحادهای کدایی، چون جمهوریخواهی های تا کنونی در آن موجود نیست که مثل آنها به تدریج ماست بشود بلکه ماست نشده می بُرد و بو می افتد

بی مایه است که حتی از برنامه های جمهوریخواهان کدایی عقب تر است. زیرا با چنین انشایی خودشان را به یک محفل کوچک فرو کشاندند که کسی برایشان پیسی باز نمی کند

بی مایه است که همان کینه ی ضد نظام پادشاهی در واژه واژه های این انشاء بی مایه موج می زند و چون جمهوریخواهان کدایی مبارزه می

کنند که پادشاهی بر نگردد

بی مایه است که در این شرایط مبارزه ی شکوهمند ملت ایران، سبب ساز تفرقه بین نیروهای مخالف حکومت اسلامی می شود و کسانی چند را که هنوز متزلزل و مردد هستند با خود به سمت ابقای حکومت اسلامی می کشاند

چرا با چنین صراحتی سخن می گویم؟

برای اینکه بر این باورم که در این شرایط مرگ و زندگی ملت ایران، هیچ نیرویی به تنهایی قادر نیست که حکومت اسلامی را به زیر بکشد

معنی اش این است که اگر هم این نیروها بخواهند چنین خطبی را انجام دهند که بدون همکاری با دیگران و احترام گذاشتن به عقایدشان این انتحار را به اجرا در آورند، در واقع به حکومت اسلامی کمک و بهره می رسانند

به عبارت دیگر نه حرفشان را باید جدی گرفت و نه عملکردشان را

زیرا ما پیش از این مجاهدین را دیدیم که با شعار " نه شاه و نه شیخ و نه حزب توده و اکثریت و پیکار و . . ." دست به چنین انتحاری زدند که بهره اش سی سال است که کماکان در جیب همین حکومت اسلامی می رود

" اتحاد جمهوریخواهان " رنگارنگ را دیدیم که با خودی و غیر خودی کردن و دشمنی با نیروی فراگیر پادشاهی که قربانی بزرگ همین بی خردی های این نیروهای چپ در همه رنگش و به اصطلاح قبایل "ملیون" در هر قد و قامتی هستند، عاقبت در ولایت حکومت اسلامی خیمه زدند که آخرین عملکرد ضد ایرانی شان انتشار بیانیه ی بیش از 40 نفر از روشنفکران این قماش در حمایت از موسوی (بخوان ابقای همین حکومت اسلامی) است

و امروز هم شما چند نفر که می دانم در پارامتر سیاسی ایران وزنه ای نیستید و کسی هم برایتان پپسی باز نمی کند، همان راه را می روید که کاروان خمیه زنان جمهوریخواهان رنگارنگ در ولایت حکومت اسلامی، رفته اند

راه حل برای عبور از حکومت اسلامی ؟

عملی ترین راه حل برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی اتحاد موضعی همه ی نیروهای مخالف که خواهان سرنگون شدن حکومت اسلامی هستند، است. به شرطی که آن نیروی سرنگونی طلب بپذیرد که دین از حکومت جدا باشد

بی گفتگو در راس این نیروها چه ما بخواهیم و چه نخواهیم نیروهای هواداران نظام پادشاهی هستند که باید با آنها بیش از هر نیروی دیگری وارد گفتگو شد

هر اتحاد و یا ائتلافی بدون نیروهای خواهان نظام پادشاهی و یا دور زدن آنها، عاقبت آنها را در دامن همین حکومت اسلامی فرود می آورد

فراموش نکنیم که ما همگی قربانی همین حکومت اسلامی هستیم که افرادی مثل شماها در به قدرت رساندن این آدمخواران از هیچ کمکی دریغ نکردید و بی گفتگو قربانی بزرگ این " انقلاب شکوهمند اسلامی " شما همین نیروهای نظام پادشاهی هستند که امروز هم چون سی و چند سال پیش کینه ی نابود کننده ی ایران و ایرانی خودتان را از آنها بر نمی گیرید

بنا براین برای جبران اندکی از جفای بی همتایتان به ایران و ایرانی جا دارد برای نجات ایران از ایلغار حکومت اسلامی با نیروهای جدی مخالف با این حکومت متحد بشوید تا در یک حرکت مسالمت جویانه با نافرمانی مدنی در همه ی عرصه ها گلوگاههای حکومت اسلامی را تنگ کنیم تا خفه گردد

این اولین قدمی است که هر نیرو و یا شخصیت ایرانی باید بدور از هر گونه غرض و مرضی بردارد

از این پس است که همین اتحاد پس از سرنگونی حکومت اسلامی، بستری را بر خاکروبه های آن ایجاد می کند که همه ی نیروها ی موجود

در ایران بتوانند آزادانه برنامه خود را برای یک ایرانی آزاد، رها و دموکراتیک ارائه دهند و نمایندگان منتخب خودشان را به مجلس موسسان بفرستند تا به نمایندگی از موکلین خود قانون اساسی را با ظرفیتی همه جانبه تدوین کنند و سپس در یک همه پرسی همراه قانون اساسی، نوع نظام آینده را به فرآیند بگذارند

زیرا فرآیند همواره عالی ترین تجلی یک دموکراسی در عرصه های تعیین سرنوشت و رقم زدن یک تصمیم سرنوشت ساز بوده و هست که شرکت همه ی آحاد ملت ایران برای آینده ی خود را فراهم می کند

هر گونه مخالفت با این مقوله مشتمل همه ی مدعیان آزادیخواهی و دموکراسی خواهی را باز می کند که علی رغم فریاد کشیدن بی مالیات و تبعیضا اشاعه دهنده و یا رواج دهنده ی تبعیض در جامعه هستند

به عبارت روشن تر همه ی کسانی که در فردای سرنگونی حکومت اسلامی برگزاری فرآیند را برای تعیین نوع نظام به بهانه های بی مقدار طفره می روند و از هم اکنون بدون در نظر گرفتن خواست و عقاید دیگران به نظام " جمهوری " پای می فشارند، نه از آزادی نشانی دارند و نه مخالف تبعیض هستند

این کسان چون به خود اعتمادی ندارند و می دانند ملت ایران برایشان تریه ای خورد نمی کنند با غمزه ای عنترگونه با حمله به تبعیض، تبعیض را گسترش می دهند و از هم اکنون با فرآیند مخالفت می ورزند

در پایان مایل هستم که خوشحالی خودم را پنهان نکنم که شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه های اخیرش حجت را بر همگان تمام کردند و خودشان پیشقدم شدند تا در فقدان یک آلترناتیو نیرومند و همچنین نبود یک سخنگو برای جنبش شکوهمند ملت ایران در امروز و همچنین در فردای سرنگونی حکومت اسلامی و خلاء قدرت، رهبری و سخنگویی جنبش را به عهده بگیرند

شاهزاده ای که معتقد است در فردای سرنگونی حکومت اسلامی اگر در فرآیند نوع نظام ملت ایران نظام جمهوری را انتخاب کنند به بیش از 80 درصد از خواسته های خودشان رسیده اند

آیا ذره ای از این آزادیخواهی شاهزاده در دل و جان همه ی کسانی که امروز مدعی آزادیخواهی هستند، می جوشد؟

اگر آری پس چنین انشاها و اتحادهای کذابی را چه معنی کنیم؟

* بیانیه پشتیبانان جنبش سکولاریسم سبز ایران